

بررسی زیبایی‌شناسی اشعار قیصر امین‌پور و نادر نادرپور

رحمت‌الله شاکری اصل*

دکتر محمدرضا قاری**

چکیده:

هدف اصلی دستگاه شعر هم‌نوایی میان عناصر شعری است و موسیقی شعر یکی از راه‌های ایجاد این هم‌گونی است. موسیقی شعر یکی از عوامل زیباآفرین شعر است و در اصل مجموعه عواملی است که زبان شعر را از زبان روزمره، به اعتبار بخشیدن آهنگ و توازن امتیاز می‌بخشد که مهم‌ترین این عوامل موسیقی آفرین، موسیقی بیرونی است و پژوهش حاضر به «بررسی زیبایی‌شناسی اشعار قیصر امین‌پور با موسیقی بیرونی در اشعار نادر نادرپور» پرداخته است و در زمینه مقایسه موسیقی بیرونی در اشعار این دو شاعر کاری انجام نگرفته است؛ بدین منظور نگارنده تمامی اشعار قیصر امین‌پور و نادر نادرپور را تقطیع نموده، محور و اوزان اشعار را مشخص و پربسامدترین و کم‌بسامدترین آن‌ها را تعیین کرده است در این راستا فیش‌برداری‌هایی انجام شده و مطابق با آن فیش‌ها، آمارهایی از عنصر موسیقی‌آفرین بیرونی در اشعار دو شاعر مورد نظر، صورت گرفت و با ارایه جدول آورده شده‌اند.

واژه‌های کلیدی

زیبایی‌شناسی، نادرپور، امین‌پور، تطبیق، عنصر موسیقی‌آفرین، اوزان

مقدمه

یک اثر ادبی برای این‌که تأثیر درونی خود را بر ذهن مخاطب بگذارد، موسیقی را به عنوان اساسی‌ترین عامل به خدمت می‌گیرد. این عنصر (موسیقی) بی‌واسطه‌ترین و موثرترین هنر برای تأثیربخشی در ذهن و جان مخاطب خود است که اگر به نحو احسن و نیکو به کار برده شوند چه بسا تأثیری عمیق و زیبا و ماندگار بر اذهان مخاطبان خاص خود به جا بگذارند. «هرچه یک اثر ادبی بتواند ابعاد بیشتری از موسیقی را به کام خویش کشد زیباتر، قوی‌تر و مؤثرتر می‌گردد.» (محبتی، ۱۳۸۰: ۱۳۷) «آهنگ یا موسیقی: شامل هر نوع وزن یا آهنگی است که در شعر به کار می‌رود. خواه وزن عروضی باشد و خواه آهنگی که از طریق تناسب حروف صامت و مصوت کلمات به وجود می‌آید و آن را موسیقی داخلی می‌نامند. اغلب صنایع لفظی بدیع به منظور ایجاد چنین آهنگی به کار می‌رود. گاه نیز موسیقی موجود در شعر به وسیله تناسب‌های معنوی بین کلمات بدست می‌آید. صنایع معنوی بدیع در به وجود آمدن این نوع موسیقی در شعر تأثیر فراوانی دارند. قافیه و ردیف نیز از جمله وسایل ایجاد موسیقی در شعر هستند. بخش عمده‌ای از تأثیر شعر، به عهده وزن و آهنگ است و همه انواع شعر، حتی شعر آزاد در همه زبان‌ها، با نوعی وزن همراهند.» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۴۴-۱۴۵).

دکتر شفیعی معتقد است تجلی موسیقی بیرونی در سراسر بیت یا مصراع یکسان است و در همه جا به یک اندازه حاضر است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱: ۳۹۱)

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد واحد اراک

** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اراک.

در این پژوهش به بررسی موسیقی بیرونی در اشعار این دو شاعر معاصر پرداخته شده است. منظور از موسیقی بیرونی شعر، جنبه عروضی وزن شعر است که بر تمام اشعاری که در یک وزن سروده شده‌اند قابل تطبیق است. مثلاً اشعاری که در بحر مضارع سروده شده‌اند به لحاظ موسیقی بیرونی یکسان‌اند یعنی می‌توان آن‌ها را بر نظام آوایی: (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن) تطبیق داد و در این قلمرو امتیاز شاعری بر شاعر دیگر از جهت تنوع اوزان یا هماهنگی وزن‌ها با تجربه‌های روحی و دیگر جوانب موسیقایی شعرش است.

متن اصلی

نادرپور در مجموع اشعارش از ۹ بحر و قیصر از ۱۳ بحر بهره برده‌اند؛ بحرهای رجز، رمل، متدارک، متقارب، مجتث، مضارع، مقتضب، منسرح و هزج از جمله بحرهای مشترک میان هر دو شاعر است و بحرهای بسیط، خفیف، سریع، مدید از جمله بحرهایی است که قیصر امین‌پور بکار گرفته و در مجموعه اشعار نادرپور یافت نشده است.

جدول درصد بحرها در مجموعه اشعار نادرپور

| بحرها | رجز | رمل | متدارک | مقارب | مجتث | مضارع | مقتضب | منسرح | هزج |
|-------|------|-------|--------|-------|-------|-------|-------|-------|------|
| درصد | ۷/۴۷ | ۱۰/۹۰ | ۰/۶۲ | ۴/۳۶ | ۱۳/۰۸ | ۴۹/۵۳ | ۰/۳۱ | ۳/۷۳ | ۹/۰۳ |

و قیصر در مجموع از ۱۳ بحر در اشعار خود استفاده کرده است که به برای اختصار هر کدام از بحرها با اعدادی مشخص شده که به ترتیب زیر است: بسیط (۱)، خفیف (۲)، رجز (۳)، رمل (۴)، سریع (۵)، متدارک (۶)، متقارب (۷)، مجتث (۸)، مدید (۹)، مقتضب (۱۰)، مضارع (۱۱)، منسرح (۱۲) و هزج (۱۳).

جدول بسامد بحرها در مجموعه اشعار امین‌پور:

| بحر | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ |
|------|------|------|-------|-------|------|------|------|------|------|------|-------|------|-------|
| درصد | ۰/۷۳ | ۱/۱۰ | ۱۳/۲۸ | ۲۱/۴۰ | ۱/۱۰ | ۰/۷۳ | ۹/۵۹ | ۵/۵۳ | ۰/۳۶ | ۰/۷۳ | ۱۸/۸۱ | ۰/۷۳ | ۲۵/۸۳ |

مطابق جدول‌های صفحه قبل در اشعار نادرپور بحر مضارع با ۱۵۹ شعر معادل ۴۹/۵۳ درصد بیشترین بسامد بحرها و بحر مقتضب با ۰/۳۱ درصد کمترین بسامد و در کل اشعار قیصر بیشترین بسامد مختص به بحر هزج (۱۳) با ۲۵/۸۳ درصد و بحر مدید (۹) با ۳۶/ درصد کمترین بسامد را در برمی گیرد.

بحرهای اشعار نیمایی قیصر در چهار دفتر «دستور زبان عشق»، گل‌ها همه آفتابگردانند، آینه‌های ناگهان و تنفس صبح»:

| نام بحر | دستور زبان عشق | گل‌ها همه آفتابگردانند | آینه‌های ناگهان | تنفس صبح |
|---------|----------------|------------------------|-----------------|----------|
| بسیط | | | | شعر ۱ |
| رجز | شعر ۶ | شعر ۱۵ | شعر ۶ | شعر ۲۹ |
| رمل | شعر ۶ | شعر ۱۰ | شعر ۱۲ | شعر ۳۱ |
| مقارب | شعر ۶ | شعر ۸ | شعر ۱ | |
| مجتث | | شعر ۱ | | |
| مضارع | شعر ۶ | شعر ۸ | شعر ۱۵ | شعر ۳۳ |
| مقتضب | | شعر ۱ | | |
| منسرح | | | شعر ۱ | |
| مجموع | ۲۴ | ۴۳ | ۳۵ | ۱۰ |

مطابق جدول بالا بحر مضارع با ۳۳ شعر بیشترین بسامد بحرها را در اشعار نیمایی قیصر و بحرهای بسیط، مجتث، مقتضب و منسرح هر کدام با یک شعر کمترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول بسامد و درصد بحرها در غزل‌های قیصر:

| | | | | | | | | | | | | | |
|-------|------|------|------|----|------|------|------|-------|------|------|-------|------|-------|
| بحرها | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ |
| غزلها | ۱ | ۳ | ۶ | ۲۶ | ۳ | ۲ | ۱۰ | ۱۴ | ۱ | ۱ | ۲۲ | ۱ | ۱۴ |
| درصد | ۰/۹۶ | ۲/۸۸ | ۵/۷۶ | ۲۵ | ۲/۸۸ | ۱/۹۲ | ۹/۶۱ | ۱۲/۴۶ | ۰/۹۶ | ۰/۹۶ | ۲۱/۱۵ | ۰/۹۶ | ۱۳/۴۶ |

مطابق جدول بالا در غزلیات قیصر بیشترین بسامد مختص به بحر رمل (۴) با ۲۵ درصد و کمترین بسامد شامل بحرهای بسیط (۱)، مدید (۹)، مقتضب (۱۰) و منسرح (۱۲) با ۰/۹۶ درصد است.

بحر رجز:

بحر رجز از تکرار سه یا چهار بار مستفعلن حاصل می‌شود و به ندرت در این وزن مسلّس سالم دیده می‌شود. در شعر نادرپور مضمون‌هایی مانند غم، اندوه، ناامیدی و... بیشتر در بحر رجز به چشم می‌خورد. از میان ۹ بحر که نادرپور به کار گرفته ۷/۴۷ درصدش مربوط به بحر رجز است و قیصر نیز از میان ۱۳ بحر بکارگرفته ۱۳/۲۸ درصد را به این بحر اختصاص داده است.

ای دختر شیرین من، آسوده خفتی
دیشب که بیخوابی نصیب مادرت بود

(مجموعه اشعار نادرپور/۳۲۴)

مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن
مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن

(همان/۷۲۱)

این که نقاب مرا نهاده به صورت
کیست؟ که نتوان شناخت سیرت او را

(همان/۸۷۰)

مستفعلات - می‌پرسم از تو:
مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن
مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن
مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

(همان/۳۸۷)

ای آرزوی اولین گام رسیدن
بر جاده های بی سرانجام رسیدن

(دستور زبان عشق: ۱۳۹۰، ۷۵)

مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن
مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

(تنفس صبح: ۱۳۸۹، ۴۱)

عمری به جز بیهوده بودن سر نکردیم
تقویم ها گفتند و ما باور نکردیم

با گریه‌هایش در حیاط خانه بازی می‌کند: مستفععلن مستفععلن مستفععلن مستفععلن

مادر، کنار چرخ خیاطی مستفععلن مستفععلن فع لن

آرام رفته در نخ و سوزن مستفععلن فع لن

عطر بخار چای تازه مستفععلن مستفععلن فع

در خانه می پیچد مستفععلن فع لن

صدای در! مفاعلن

«شاید پدر» مستفععلن

(مجموعه اشعار امین پور: ۱۳۹۰، ۱۵)

بحر رمل:

بحر رمل از تکرار رکن فاعلاتن و یا زحافات آن به دست می‌آید. بحر رمل بحری است که از تکرار جزء فاعلاتن حاصل می‌شود. قیصر از این بحر همراه با زحافاتش استفاده فراوانی برده. اوزان این بحر بیشتر موسیقایی هستند و شعرا از آن برای سرودن شعر در قالب‌های مختلف، استفاده می‌کنند. این بحر در اشعار نادرپور ۱۰/۹۰ درصد و در اشعار قیصر ۲۱/۴۰ درصد در به خود اختصاص داده‌اند. نمونه‌هایی از اشعار هر دو شاعر در این بحر به شرح زیر است:

| | | | |
|------------------------------|---------|---------|---------|
| چشمه در تاریکی شب، برق می‌زد | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن |
| باد رقصان با سرود اهرمن‌ها | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن |

(مجموعه اشعار نادرپور: ۹۷)

| | | | |
|-------------------------|---------|---------|----|
| در دل ظلمت شب، دیوی است | فاعلاتن | فاعلاتن | فع |
| که به من بسته نگاهش را | فاعلاتن | فاعلاتن | فع |

(همان: ۲۵۹)

| | | | | | | |
|-------------------------------------|---------|---------|---------|---------|---------|----|
| زیر این برف پریشان غم‌آلود کهنسالی | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فع |
| زیر این توده خاکستر سنگین فراموشی | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فع |
| اخگری چند بجا مانده ز دوران سبکبالی | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فع |
| اخگری چند بجا مانده از آن شب‌ها | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فع |

(همان: ۵۰۶)

| | | | |
|--------------------------|---------|---------|-------|
| ناگهان دیدم سرم آتش گرفت | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلن |
| سوختم خاکستر آتش گرفت | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلن |

(آینه‌های ناگهان: ۸۱)

| | | | | |
|---------------------------------|---------|---------|---------|-------|
| سایه سنگ بر آینه خورشید چرا؟ | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلن |
| خودمانیم بگو این همه تردید چرا؟ | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلن |

(دستور زبان عشق: ۷۹)

| | | | | |
|----------------------------------|---------|---------|---------|-------|
| رفت تا دامنش از گرد زمین پاک کند | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلن |
|----------------------------------|---------|---------|---------|-------|

آسمانی تر از آن بود که در خاک بماند
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن
 (گل‌ها همه آفتابگردانند: ۸۷)

کشت تقدیر تو ما را به که باید گفت؟
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع
 مردم از درد خدایا به که باید گفت؟
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع

(همان : ۱۳۳)

بغض‌های کال من چرا چنین؟
 فاعلات فاعلات فاعلن
 گریه‌های لال من چرا چنین؟
 فاعلات فاعلات فاعلن

(همان : ۹۸)

صبح بی تو رنگ بعدازظهر یک آدینه
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
 بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

(تنفس صبح: ۷۵)

| | |
|-----------------------------|----------------------------|
| حرف‌های ما هنوز ناتمام | فاعلات فاعلات فاعلن |
| تا نگاه می‌کنی | فاعلات فاعلن |
| وقت رفتن است | فاعلات فع |
| باز هم همان حکایت همیشگی! | فاعلات فاعلات فاعلات فع |
| پیش از آن که با خبر شوی | فاعلات فاعلات فع |
| لحظه عزیمت تو ناگزیر می‌شود | فاعلات فاعلات فاعلات فاعلن |
| آی.... | فع |
| ای دریغ و حسرت همیشگی! | فاعلات فاعلات فاعلن |
| ناگهان | فاعلن |
| چقدر زود | مفاعلن |
| دیر می‌شود! | فاعلات فع |

(آینه‌های ناگهان: ۶۴)

بحر متدارک:

بحر متدارک از تکرار چهار بار «فاعلن» حاصل می‌شود. زحاف آن نیز دیده می‌شود؛ که در اشعار کلاسیک نادرپور فقط زحاف «احذ» دیده می‌شود، آن هم در ۲ شعر معادل ۱/۷۸ درصد را در بر می‌گیرد. نمونه‌هایی از این بحر به شرح زیر است:

توده‌های سیاه درختان
 ساکن اندر خموشی چو کوهند
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع
 فاعلن فاعلن فاعلن فع

(مجموعه اشعار نادرپور: ۶۸)

شب، در آفاق تاریک مغرب
 خیمه‌اش را شتابان برافراشت
 فاعلن فاعلن فاعلن فع
 فاعلن فاعلن فاعلن فع

(همان: ۱۴۸)

بحر متقارب:

این بحر در اشعار نادرپور ۴/۳۶ درصد و در اشعار قیصر ۹/۵۹ درصد را به خود اختصاص داده است. نمونه‌هایی از اشعار هر دو شاعر به شرح زیر است:

بجز پهنه‌هایی پر از دود و آتش
 بجز سیل کشتار و بیماری و خون
 فعلون فعلون فعلون فعلون
 فعلون فعلون فعلون فعلون
 (همان: ۱۳۷)

جهانا! فسون توام بی‌اثر شد
 نگیرد مرا جذبه مهر و ماهت
 فعلون فعلون فعلون فعلون
 فعلون فعلون فعلون فعلون
 (همان: ۱۹۰)

تو آن درّه سبز بی‌آفتابی
 که مه بر سر افشاندت نوبهاران
 فعلون فعلون فعلون فعلون
 فعلون فعلون فعلون فعلون
 (همان: ۲۹۹)

چراغ شب تار من بودی ای زن!
 دریغا که دیگر چراغی ندارم
 فعلون فعلون فعلون فعلون
 فعلون فعلون فعلون فعلون
 (همان: ۳۷۶)

تو از دیده رفتی و، از دل نرفتی
 وفای تو نازم، خداوندگارا!
 فعلون فعلون فعلون فعلون
 فعلون فعلون فعلون فعلون
 (همان: ۶۸۷)

شگفتا! نخستین شب فرودین
 بزاد از پسین روز اسفندماه
 فعلون فعلون فعلون فعلون
 فعلون فعلون فعلون فعلون
 (همان: ۶۶۴)

به خود گفتم ای مرد گم کرده خاک!
 چرا از جهان روی گردانده‌ای؟
 فعلون فعلون فعلون فعلون
 فعلون فعلون فعلون فعلون
 (همان: ۸۰۹)

من اما بسی ناشکیبایتر از او
 همان شب، از آن مجلس خسروانه
 به دنبال ابلیس رفتم که شاید
 ز مازندران باز یابم نشانه
 ولی گم شدم در سیاهی
 که شب: تیره‌گون بود و ره: بیکرانه
 فعلون فعلون فعلون فعلون
 فعلون فعلون فعلون فعلون
 فعلون فعلون فعلون فعلون
 فعلون فعلون فعلون فعلون
 (همان: ۸۸۷)

من از عهد آدم تو را دوست دارم
 از آغاز عالم تو را دوست دارم
 فعلون فعلون فعلون فعلون
 فعلون فعلون فعلون فعلون
 (گل‌ها همه آفتابگردانند: ۷۹)

سرپا اگر زرد و پژمرده‌ایم فعلون فعلون فعلون فعلون
 ولی دل به پاییز نسپرد‌ایم فعلون فعلون فعلون فعلون

(آینه‌های ناگهان: ۱۰۰)

سه شنبه فعلون
 چرا تلخ و بی حوصله فعلون فعلون فعل
 سه شنبه فعلون
 چرا این همه فاصله؟ فعلون فعلون فعل
 سه شنبه فعلون
 چه سنگین! چه سرسخت؛ فرسخ به فرسخ! فعلون فعلون فعلون فعلون
 سه شنبه فعلون
 خدا کوه را آفرید فعلون فعلون فعلون

(گل‌ها همه آفتابگرداند: ۷۴)

بحر مجتث

بحر مجتث به معنی از اصل بریده شده و اصل این بحر از مستفعلن فاعلاتن تشکیل شده است. این بحر در اشعار نادرپور ۱۳/۰۸ درصد و در اشعار قیصر ۵/۵۳ درصد را به خود اختصاص داده است. به نمونه‌هایی از اشعار هر دو شاعر توجه کنید:

دلی که قدر عزیزان آشنا دانست مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فع لن
 چگونه صحبت بیگانگان روا دانست مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فع لن

(مجموعه اشعار نادرپور: ۲۶۴)

شب است و هیچ‌کس راه صبح ننماید مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فع لن
 خدای را ز که گیرم چنین سراغی را؟ مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فع لن

(همان: ۳۲۹)

عقاب پیر نگون بخت آفتابم من مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فع لن
 که شعله‌های شفق سوخت شاهبالم را مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فع لن

(همان: ۳۴۲)

تو آن پرنده رنگین آسمان بودی مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فع لن
 که از دیار غریب آمدی به لانه من مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فع لن

(همان: ۳۵۹)

ز بیم مردن دل گریه می‌کنم شب و روز مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فعلن (فع لن)
 مگو چرا، که ز مرگ تنم هراسی نیست مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فعلن (فع لن)

(همان: ۲۵۵)

امید زیستنم، دیدن دوباره تست مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فعلن (فعلن)
 قراربخش دلم، تاب گاهواره تست مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فعلن (فعلن)

(همان: ۴۲۰)

تو هر غروب نظر می‌کنی به خانه من
 قراربخش دلم، تاب گاهواره تست

(همان: ۴۲۲)

چه شد که ماه مراد از کرانه‌ای نرسید
 شبی رسید و حریف شبانه‌ای نرسید

(همان: ۵۴۲)

چرا ز کوزه ماه امشب
 نمی‌برون نتراویدست؟

(همان: ۲۴۱)

زمین به ناخن باران‌ها
 تن پر آبله می‌خارید

(همان: ۲۵۲)

کسی ز پنجره بیرون پرید،
 کسی ز خانه به دنبال او شتافت،
 کسی ز کوچه بر او بانگ زد: - "بایست! بایست!"
 دهنده رفت،
 دهنده تیزتر- از باد - رفت

(همان: ۵۳۶-۵۳۷)

چرا همیشه همین است آسمان و زمین؟
 زمان همواره همان و زمین همیشه همین؟

(دستور زبان عشق: ۱۳۹۰، ۵۳)

دلم خوش است به گل‌های باغ قالی‌ها
 که چشم باران دارم ز خشکسالی‌ها

(دستور زبان عشق: ۶۱)

بیا مرا ببر ای عشق با خودت به سفر
 مرا ز خویش بگیر و مرا ز خویش ببر

(گلها همه آفتابگرداند: ۱۰۰)

طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی
 ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی

(آینه‌های ناگهان: ۸۷)

گرفته‌تر ز خزان دلم خزانی نیست
 ستاره بارتر از چشمم آسمانی نیست

(همان: ۱۴۳)

شب عبور شما را شهاب لازم نیست

که با حضور شما آفتاب لازم نیست
مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فع لان
(تنفس صبح: ۳۷)

بیا به خانه آلاله‌ها سری بزنیم
مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن
ز داغ با دل خود حرف دیگری بزنیم
مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن
(همان: ۶۹)

بحر مضارع

بحر مضارع از تکرار دو پایه عروضی «مفاعیلن» و «فاعلاتن» به دست می‌آید اما وزن سالم آن در فارسی کاربرد ندارد. این بحر بیشتر برای بیان غم و اندوه به کار برده می‌شود و از آنجایی که اشعار قیصر و نادرپور بیان غم و اندوه است این بحر بسامد زیادی از شعرشان را در بر گرفته است این بحر در اشعار نادرپور با ۴۹/۵۳ درصد بیشترین بسامد را داشته و در اشعار قیصر با ۱۸/۸۱ درصد را به خود اختصاص داده است. نمونه‌هایی از این بحر در اشعار هر دو شاعر به شرح زیر است:

سوت ترن به گوش رسد نیمه‌های شب
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
آهسته از کرانه دریای بیکران
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
(مجموعه اشعار نادرپور: ۵۵)

در آسمان آبی این چشم ناشناس
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
چون آسمان خاطره من ستاره‌ایست
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
(همان: ۱۰۸)

زانجا که بوسه‌های تو آن شب شکفت و ریخت
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
امروز، شاخه‌های کهن سر کشیده‌اند
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
(همان: ۱۲۰)

شب در رسید و، وحشت آن چشم بی‌نگاه
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
چون لحظه‌های مرگ تنم را فراگرفت
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
(همان: ۱۲۳)

شب‌ها در آبگینه مرداب‌های سبز
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
آنجا که نیزه‌های جگن رفته تا به ماه
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
(همان: ۱۳۲)

گر آخرین فریب تو، ای زندگی نبود
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
اینک هزار بار، رها کرده بودمت
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
(همان: ۱۷۳)

ای شعر! ای طلسم سیاهی که سرنوشت
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
عمر مرا به رشته جادویی تو بست
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
(همان: ۲۰۷)

ای شعر! ای طلسم سیاهی که سرنوشت
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
ابلیس، ای کشنده پنهانی خدا
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

(همان: ۲۹۳)

| | | | |
|---------|--------|-------|----------------------------|
| مفاعیلن | فاعلات | مفعول | شبها به کنج خلوت من می‌گفت |
| مفاعیلن | فاعلات | مفعول | افسانه‌های روز جدایی را |

(همان: ۱۰۲)

| | | | |
|---------|--------|-------|------------------------------|
| مفاعیلن | فاعلات | مفعول | زین محبسی که زندگی‌اش خوانند |
| مفاعیلن | فاعلات | مفعول | هرگز مرا توان رهایی نیست |

(همان: ۱۱۶)

| | | | |
|---------|--------|-------|-------------------------|
| مفاعیلن | فاعلات | مفعول | کوبیده برف زیر لگدهایش |
| مفاعیلن | فاعلات | مفعول | بوی بنفشه‌های بهاران را |

(همان: ۲۸۷)

| | |
|---------------|----------------------|
| مفعول فاعلاتن | شب باد پر شکسته |
| مفعول فاعلاتن | می‌رفت و ناله می‌کرد |

(همان: ۸۱)

| | | |
|---------------|---------------|----------------------------------|
| مفعول فاعلاتن | مفاعیل فاعلات | در گریه‌های سرخ شفق بر غروب زرد: |
| مفعول فاعلن | | در کوهپایه‌ها: |
| مفعول فاعلاتن | مفاعیل فاعلن | در زیر لاجورد غم‌انگیز آسمان: |

(همان: ۱۲۶)

| | | | |
|---------|--------|-------|----------------------------------|
| مفاعیلن | فاعلات | مفعول | با تیشه خیال تراشیده‌ام تو را |
| مفاعیلن | فاعلات | مفعول | در هر بتی که ساختم دیده‌ام تو را |

(دستور زبان عشق: ۴۵)

| | | | |
|---------|--------|-------|------------------------------------|
| مفاعیلن | فاعلات | مفعول | ای از بهشت باز دری پیش چشم تو |
| مفاعیلن | فاعلات | مفعول | افسانه‌ای است حور و پری پیش چشم تو |

(همان: ۴۸)

| | | | |
|---------|--------|-------|------------------------------|
| مفاعیلن | فاعلات | مفعول | ای عشق ای ترنم نامت ترانه‌ها |
| مفاعیلن | فاعلات | مفعول | معشوق آشنای همه عاشقانه‌ها |

(همان: ۵۱)

| | | | |
|---------|--------|-------|--------------------------------|
| مفاعیلن | فاعلات | مفعول | از تو شکفت نرگس چشم انتظاری‌ام |
| مفاعیلن | فاعلات | مفعول | گل کرد خار خار شب بی‌قراری‌ام |

(گل‌ها همه آفتابگردانند: ۸۲)

| | | | |
|---------|--------|-------|---------------------------------|
| مفاعیلن | فاعلات | مفعول | دل‌تنگ غنچه‌ایم بگو راه باغ کو؟ |
| مفاعیلن | فاعلات | مفعول | خاموش مانده‌ایم خدا را چراغ کو؟ |

(همان: ۸۶)

| | | | |
|---------|--------|-------|---------------------------------|
| مفاعیلن | فاعلات | مفعول | گفتی غزل بگو! چه بگویم؟ مجال کو |
|---------|--------|-------|---------------------------------|

| | | | | |
|-------------------------------------|-------|--------|--------|-------|
| شیرین من برای غزل شور و حال کو؟ | مفعول | فاعلات | مفاعیل | فاعلن |
| (همان : ۱۰۷) | | | | |
| آواز عاشقانه ما در گلو شکست | مفعول | فاعلات | مفاعیل | فاعلن |
| حق با سکوت بود صدا در گلو شکست | مفعول | فاعلات | مفاعیل | فاعلن |
| (آینه‌های ناگهان: ۷۷) | | | | |
| ما را به حال خود بگذاید و بگذرید | مفعول | فاعلات | مفاعیل | فاعلن |
| از خیل رفتگان بشمارید و بگذرید | مفعول | فاعلات | مفاعیل | فاعلن |
| (همان : ۱۰۲) | | | | |
| در انتهای کوچه شب زیر پنجره | مفعول | فاعلات | مفاعیل | فاعلن |
| قومی نشسته خیره به تصویر پنجره | مفعول | فاعلات | مفاعیل | فاعلن |
| (همان : ۱۴۵) | | | | |
| باران گرفت نیزه و قصد مصاف کرد | مفعول | فاعلات | مفاعیل | فاعلن |
| قومی نشسته خیره به تصویر پنجره | مفعول | فاعلات | مفاعیل | فاعلن |
| (تنفس صبح: ۳۹) | | | | |
| هر جا که سر زدم همه در مرز بودن است | مفعول | فاعلات | مفاعیل | فاعلن |
| کو مرز تازه‌ای که فراتر ز بودن است | مفعول | فاعلات | مفاعیل | فاعلن |
| (همان : ۴۷) | | | | |

| | |
|-----------------------------|-------------------|
| از رفتنت دهان همه باز.... | مفعول فاعلات فعلن |
| انگار گفته بودند | مفعول فاعلاتن |
| پرواز! | فع لن |
| پرواز! | فع لن |
| (مجموعه اشعار امین پور: ۲۸) | |
| با گریه‌های یکریز | مفعول فاعلاتن |
| یکریز | فع لن |
| مثل ثانیه‌های گریز | فاعلاتن مفاعل فع |
| با روزهای ریخته | مفعول فاعلات فع |
| در پای باد | مستفعلان |
| با هفته‌های رفته | مفعول فاعلاتن |
| با فصل‌های سوخته | مفعول فاعلاتن |
| با سال‌های سخت | مفعول فاعلات |
| رفتیم و | مفعول |
| سوختیم و | فاعلاتن |
| فرو ریختیم | مفاعیل فاع |

| | |
|----------------------|---------------------------|
| مفعول فاعلات مفاعیلن | با اعتماد خاطره‌ای در یاد |
| فع لن | اما |
| مفعول فاعلات مفاعیل | آن اتفاق ساده نیفتاد |

(گل‌ها همه آفتابگردانند: ۷۴)

بحر مقتضب

بحر مقتضب از اصل «مفعولات مستفعلن مفعولات مستفعلن» به صورت مزاحف مطوی «فاعلات مفتعلن فاعلات مفتعلن» ساخته می‌شود. این بحر در اشعار نادرپور با ۰/۳۱ درصد کمترین بسامد را داشته و در اشعار قیصر با ۰/۷۳ درصد را به خود اختصاص داده است. نمونه‌هایی از این بحر به شرح زیر است:

| | | | | |
|-----------------------------------|--------|--------|--------|--------|
| ای شب ای شب برفی، ای شب زمستانی! | فاعلات | مفعولن | فاعلات | مفعولن |
| گریه در گلو دارم، چون هوای بارانی | فاعلات | مفعولن | فاعلات | مفعولن |

(مجموعه اشعار نادرپور: ۷۱۹)

| | | | | |
|-------------------------------------|--------|--------|--------|--------|
| ای خوشا خروشیدن، جاودانه جوشیدن | فاعلات | مفعولن | فاعلات | مفعولن |
| هم‌چو رود نا آرام، زین کرانه کوچیدن | فاعلات | مفعولن | فاعلات | مفعولن |

(مجموعه کامل اشعار امین‌پور: ۴۰۵)

بحر منسرح

بحر منسرح از اصل «مستفعلن مفعولات مستفعلن مفعولات» به صورت مزاحف مطوی مفتعلن فاعلات مفتعلن فاعلات ساخته می‌شود. این بحر در اشعار نادرپور ۳/۷۳ درصد از اشعار وی را در بر گرفته و در اشعار قیصر ۰/۷۳ درصد را به خود اختصاص داده است. به نمونه‌هایی از اشعار هر دو شاعر در این بحر توجه کنید:

| | | | | |
|---------------------------------|--------|--------|--------|----|
| ساعتی از نیمه شب گذشت و «سیاهی» | مفتعلن | فاعلات | مفتعلن | فع |
| چهره بر آن میله‌های پنجره مالید | مفتعلن | فاعلات | مفتعلن | فع |

(مجموعه اشعار نادرپور: ۷۶)

| | | | | |
|----------------------------------|--------|--------|--------|----|
| نیمه شبانست و باد سردی از آن دور | مفتعلن | فاعلات | مفتعلن | فع |
| سر کند افسانه‌های دیو و پری را | مفتعلن | فاعلات | مفتعلن | فع |

(همان: ۸۸)

| | | | | |
|------------------------------|--------|--------|--------|----|
| بوته خشکیده‌ام ز بوسه خورشید | مفتعلن | فاعلات | مفتعلن | فع |
| غنچه مرگم که عطر زندگیم نیست | مفتعلن | فاعلات | مفتعلن | فع |

(همان: ۲۱۵)

| | | | | |
|--------------------------------|--------|--------|--------|----|
| عاقبت از سرزمین گمشده خویش | مفتعلن | فاعلات | مفتعلن | فع |
| آمدی ای کوله بار شوق تو بر دوش | مفتعلن | فاعلات | مفتعلن | فع |

(همان: ۲۸۱)

| | | | | |
|--------------------------------|--------|--------|--------|----|
| فانوس، آرام زیر پنجره می‌سوخت | مفتعلن | فاعلات | مفتعلن | فع |
| آمدی ای کوله بار شوق تو بر دوش | مفتعلن | فاعلات | مفتعلن | فع |

(همان: ۵۱۸)

| | | |
|--------|--------|-----|
| فاعلات | مفتعلن | فاع |
| مفتعلن | مفتعلن | فاع |

در جگرم، چون دهان ماهی، زخمی است
زخم شگفتی که کس نیافته نامش

(همان: ۶۸۹)

| | | | | |
|--------|--------|--------|--------|-----|
| مفتعلن | مفتعلن | فاعلات | مفتعلن | فاع |
| مفتعلن | مفتعلن | فاعلات | مفتعلن | فاع |

روز شکار است:
می‌روم امروز، سوی دامنه کوه
می‌روم آنجا که - زیر خنده خورشید

(همان: ۵۱۶)

این بحر نیز از جمله بحرهای امین‌پور است که با $۰/۷۳$ درصد کمترین بسامد را به خود اختصاص داده است.

| | | | |
|--------|--------|--------|-----|
| مفتعلن | فاعلات | مفتعلن | فاع |
| مفتعلن | فاعلات | مفتعلن | فاع |

حنجره‌ها روزه سکوت گرفتند
پنجره‌ها تار عنکبوت گرفتند

(مجموعه اشعار امین‌پور: ۲۹۵)

بحر هزج

بحری است که از تکرار سه یا چهار بار «مفاعیلن» به دست می‌آید. اشعاری که در بحر هزج سروده شده است، دارای وزنی ضربی، تند و در برگیرنده احساس شوقی است که با مضمون و اندیشه آن سازگار است. این بحر در اشعار نادرپور $۹/۰۳$ درصد را در بر گرفته و در اشعار قیصر با $۲۵/۸۳$ درصد بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. نمونه‌هایی از اشعار هر دو شاعر به شرح زیر است:

| | | | | |
|---------|---------|---------|---------|-------------------------------------|
| مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | به روی شاخساران، میوه گنجشک‌ها روید |
| مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | شفق در آب باران ریخت خون روشنایی را |

(مجموعه اشعار نادرپور: ۳۷۳)

| | | | |
|---------|---------|---------|-------------------------------|
| مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | دلت آن روز از من ناگهان رنجید |
| مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | نشان رنجش از چشمت هویدا بود |

(همان: ۲۴۴)

| | | | |
|---------|---------|---------|-------------------------------|
| مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | هنوز آن روز، برق خنده خورشید |
| مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | به بام خانه‌های دور، پیدا بود |

(همان: ۲۴۶)

| | | | |
|---------|---------|---------|---------------------------|
| مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | چراغ خرمی از دور پیدا است |
| مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | شب مهتاب، در آن سوی جاده |

(همان: ۶۴)

| | | | |
|---------|---------|---------|------------------------------|
| مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | شیخ، کم‌کم، قدم آهسته‌تر کرد |
| مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | نگاهش لای تاریکی درخشید |

(همان: ۷۱)

| | | | |
|---------|---------|---------|------------------------------|
| مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | تو، ای چشم سیه! با شعله خویش |
|---------|---------|---------|------------------------------|

شبی دارم چراغانی، شبی تابیدنی امشب
 مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
 دلی نیلوفری دارم، پری بالیدنی امشب
 مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

(گل‌ها همه آفتابگردانند: ۱۶)

بحر سریع

این بحر از اصل مستفعلن مستفعلن مفعولات به صورت مزاحف مطوی مفتعلن مفتعلن فاعلات ساخته می‌شود.
 نادرپور در اشعار خود از این بحر استفاده نکرده است ولی قیصر ۱/۱۰ درصد از اشعارش را به این بحر اختصاص داده است. به نمونه‌هایی از اشعار هر دو شاعر توجه کنید:

پیش بیا پیش بیا پیش‌تر
 مفتعلن مفتعلن فاعلن
 تا که بگویم غم دل بیش‌تر
 مفتعلن مفتعلن فاعلن

(مجموعه اشعار امین‌پور: ۴۲)

گذشتن از چهل
 مفاعلن فعل
 رسیدن و کمال
 مفاعلن فعل
 چه فکر کال کودکانه‌ای
 مفاعلن مفاعلن فعل
 زهی خیال خام
 مفاعلن فعل
 تمام
 فعل

(گل‌ها همه آفتابگردانند: ۵۷)

بحر مدید

بحری است که از تکرار فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلن به دست می‌آید. این بحر در اشعار نادرپور به کار گرفته نشده اما قیصر با ۰/۳۶ درصد کمترین بسامد اشعارش را به این بحر اختصاص داده است. به نمونه‌ای از این بحر در اشعار قیصر توجه کنید:

این منم در آینه، یا تویی برابرم؟
 فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلن
 تا که بگویم غم دل بیش‌تر
 فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلن

(مجموعه کامل اشعار امین‌پور: ۳۷)

از هزار آینه تو به تو گذشته‌ام
 فاعلات فاعلن فاعلات فاعلن
 می‌روم که خویش را با خودم بیاورم
 فاعلات فاعلن فاعلات فاعلن

(همان : ۳۷)

بحر بسیط

نادرپور از این بحر در اشعار خود بهره نبرده است اما در اشعار قیصر این بحر ۰/۷۳ درصد را به خود اختصاص داده است. نمونه‌ای از این بحر در اشعار قیصر به شرح زیر است:

دل داده‌ام بر باد بر هر چه بادا باد
 مستفعلن فع لن مستفعلن فع لن
 مجنون‌تر از لیلی شیرین‌تر از فرهاد
 مستفعلن فع لن مستفعلن فع لن

(همان : ۲۱۲)

هر قصر بی‌شیرین، چون بیستون ویران
 مستفعلن فع لن مستفعلن فع لن

هر کوه بی‌فرهاد، کاهی به دست باد مستفعّلن فع لن مستفعّلن فع لن

(همان : ۲۱۲)

از خاک ما در باد، بوی تو می‌آید مستفعّلن فع لن مستفعّلن فع لن

تنها تو می‌مانی، ما می‌رویم از یاد مستفعّلن فع لن مستفعّلن فع لن

(همان : ۲۱۲)

بحر خفیف

این بحر از اصل فاعلاتن مستفعّلن فاعلاتن به صورت مزاحف مخبون فاعلاتن مفاعّلن فاعلاتن ساخته می‌شود. نادرپور از این بحر در اشعار خود استفاده نکرده است ولی قیصر ۱/۱۰ درصد از اشعارش را این بحر در بر گرفته است. نمونه‌ای از این اشعار به شرح زیر است:

تو به فکر منی همیشه و من فاعلاتن مفاعّلن فع لن

تا به تو فکر می‌کنم، هستم فاعلاتن مفاعّلن فع لن

(گل‌ها همه آفتابگردانند: ۱۳۱)

گاه پیدا و گاه پنهانند فاعلاتن مفاعّلن فع لن

بازی آفتاب و بارانند فاعلاتن مفاعّلن فع لن

(تنفس صبح: ۶۳)

به سر موی دوست دل بستم فاعلاتن مفاعّلن فع لن

رفت عمر و هنوز پای بستم فاعلاتن مفاعّلن فع لن

(گل‌ها همه آفتابگردانند: ۱۳۱)

نتیجه

قیصر امین‌پور و نادرپور در کنار خصلت‌های دو سویه شعر خود، از قدرت موسیقی در تعالی شعر خود غافل نمانده‌اند. وزن از ارکان اصلی شعری نادرپور و امین‌پور هست و هر دو به آن پای‌بند بوده‌اند، تا جایی که حتی اشعار نیمایی آن دو از وزن و هارمونی کامل برخوردار است. دو شاعر مورد بررسی در اشعار خود از اوزان خوش‌آهنگ فارسی استفاده کرده‌اند. تسلط آنها بر عروض فارسی کاملاً پیداست و چیدمان درست قافیه و انتخاب قوافی مناسب از جمله ویژگی‌های شعری آن‌هاست. از لحاظ موسیقی بیرونی، اشعار هر دو شاعر بسیار پربار است و اکثر وزن‌هایی که آنها بهره گرفته‌اند، وزن‌هایی است که بزرگان ادب فارسی از جمله حافظ، به کار برده‌اند و این مبین علاقه و آشنایی با آثار بزرگان ادب فارسی و مسلط بودنش بر عروض سنتی است.

نادرپور در مجموع اشعارش از ۹ بحر و قیصر از ۱۳ بحر بهره برده‌اند؛ بحرهای رجز، رمل، متدارک، متقارب، مجتث، مضارع، مقتضب، منسرح و هزج از جمله بحرهای مشترک میان هر دو شاعر است و قیصر در مجموع از ۱۳ بحر در اشعار خود استفاده کرده است و بحرهای بسیط، خفیف، سریع، مدید از جمله بحرهایی است که قیصر امین‌پور بکار گرفته و در مجموعه اشعار نادرپور یافت نشده است.

در اشعار نادرپور بحر مضارع با ۱۵۹ شعر معادل ۴۹/۵۳ درصد بیشترین بسامد بحرها و بحر مقتضب با ۰/۳۱ درصد کمترین بسامد و در کل اشعار قیصر بیشترین بسامد مختص به بحر هزج (۱۳) با ۲۵/۸۳ درصد و بحر مدید (۹) با ۰/۳۶ درصد کمترین بسامد را در بر می‌گیرد.

در کل اوزان هر دو شاعر، بسامد وزن‌های خیزایی نسبت به وزن‌های جویباری کم‌تر است و این به دلیل درون مایه اشعار آن‌هاست.

منابع و مأخذ

- ۱ - امین پور، قیصر. دستور زبان عشق. چاپ یازدهم، انتشارات مروارید، ۱۳۹۰.
- ۲ - _____، _____ . تنفس صبح. چاپ ششم، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۹.
- ۳ - _____، _____ . مجموعه کامل اشعار. چاپ هشتم، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۹۰.
- ۴ - _____، _____ . آیینه‌های ناگهان. چاپ سوم، انتشارات افق، ۱۳۷۷.
- ۵ - _____، _____ . گل‌ها همه آفتابگردانند. تهران: چاپ چهارم، انتشارات مروارید، ۱۳۸۲.
- ۶ - محبتی، مهدی. بدیع نو: هنر ساخت و آرایش سخن. تهران: سخن، ۱۳۸۰.
- ۷ - میرصادقی، میمنت (ذوالقدر). واژه‌نامه هنر شاعری. چ دوم همراه با افزوده‌ها، نشر کتاب مهناز، ۱۳۷۶.
- ۸ - شفیعی کدکنی، محمدرضا. موسیقی شعر. تهران: چاپ دوازدهم، آگاه، ۱۳۸۹.
- ۹ - نادر. مجموعه اشعار. تهران: انتشارات نگاه، چ دوم، (ب) ۱۳۸۲.